

یادداشت

مبارزه با فساد در نظام ولایی نه جدی و نه شدنی است!

صادق کار



دستور مبارزه با فساد ساختاری بیشتر به شوخی گرفته می شود تا واقعیت. اما اگر سخنان تهدید آمیز هفته گذشته خامنه‌ای که در آن خودی های واخورده از نظام را مورد عتاب و خطاب قرار داد در نظر آوریم، دستور مبارزه با فساد این بار باید متوجه گوشمالی و بستن دهان آنان بوده باشد. یعنی اینکه مبارزه گزینشی با فساد عده‌ای از رقبا و منتقدین و واخوردگان از نظام حاکم ممکن است، ولی با کل فساد نه ممکن است و نه خامنه‌ای با آن موافق است.

علی خامنه‌ای سه شنبه این هفته در ملاقاتی که با رئیس قوه قضایی و جمعی از روسای این نهاد داشت از قاضی القضاة فاسد و شرور خود و همراهان وی خواست که بطور جدی با فساد مبارزه کنند و ساختار فساد را درهم بشکنند. به یک معنی رهبر جمهوری اسلامی خود پذیرفت و اذعان کرد که فساد در کشور و سیستم ساختاری شده است.

دستور مبارزه با فساد در این ایام که روز به روز فساد مقامات و روسای نهادهای حکومتی فزونی میگیرد و روزی نیست که در اثر واقعه و رقابتی میان صاحبان قدرت خبر فساد های نجومی یکی از دیگری کلانتر افشا می شود، البته به نظر می رسد بیشتر به کار آب ریختن روی آتش خشم مردم و تصفیه حساب با



نیروی تازه‌ای باشد که از رژیم ولایی روی بر تافته باید تلقی اش کرد تا مبارزه با فساد. در گذشته هم از این کلید واژه علیه خودی های غیر خودی شده به کرات استفاده شده است.

چرا که هم شخصی که دستور مبارزه با فساد را می دهد، وهم رئیس قوه ای که باید دستور ارباب خود را اجرا کند، خودشان و دستگاه های تحت مسئولیت شان جز بزرگترین پدید آورندگان فساد و ساختاری کردن فساد در کشور هستند. علی خامنه‌ای خودش موسسات پر سود بسیاری را که غالب شان مصادره‌ای و دارای درآمد و سودهای کلانی هستند در اختیار خود دارد که نه تعدادشان مشخص است و نه مردم از حساب و کتاب شان اطلاع دارند و نه به هیچ نهاد قانونی رسمی حساب و مالیات پس می دهند.

هر از چندی خبری نا خواسته از اختلاسهای کلان توسط مدیران گزینه شده بنیادها و موسساتی که زیر نظر ولی فقیه قرار دارند منتشر می شود و پس از چند روز یک جوری خودشان سر و ته اختلاس را بهم می آورند و بقول خود رهبر قضیه را کش نمی دهند. موسسات تحت اختیار رهبر جمهوری اسلامی خود یکی از مراکز عمده فساد محسوب می شوند که کسی بدون اذن رهبر جرات باز وخواست از مدیران آنها را ندارد. بی دلیل نیست که روسا و سرپرستان نهادهای تحت نظر خامنه‌ای، بعد از تغییر و کناره گیری با پولها و امکاناتی که از اموال و درآمد بنیادها اختلاس کرده‌اند به سرمایه دار بزرگ تبدیل شده اند.

ماجرای دزدی های برادر محسن رفیق دوست از بنیاد مستضعفان در هنگام ریاست وی بر این نهاد درم دشت بی حساب و کتاب هنوز فراموش نشده است. همین چند روز پیش بود که خبر یک اختلاس نجومی تازه در بنیاد به بیرون بنیاد درز پیدا کرد. در خصوص فسادهای افشا شده در قوه قضایی اختلاس های زیادی اتفاق افتاده که پرونده سعید مرتضوی و اکبر طبری تنها دو مورد رو شده از اختلاسها هستند. پای پسر غلام حسین اژه‌ای در بسیاری از معاملات و زد و بندهای پر فساد وابستگان به قدرت و پرونده سه هزار میلیاردی خاوری هم مطرح است. رهبر جمهوری اسلامی خود بهتر و بیشتر از سایرین از فساد گماشتگان خود اطلاع دارد با این همه همچنان بر فساد مسئولین سر سپرده به خود چشم می بندد و مبارزه با فساد را به آنان واگذار می کند. اگر گاه به گاهی هم گند کار یکی از آنان در بیاید، دستور کش ندادن ماجرا را پیش می کشد. او در مورد مرتضوی که پرونده فسادش اظهر من الشمس بود مگر این کار را نکرد. البته مبارزه گزینشی با فساد مخالفین حکومتی رقیب صورت می گیرد، اما نه برای مبارزه با فساد بلکه برای از میدان به در کردن آنها. در زمان تصدی گری رئیسی بر دستگاه قضایی زیر لوای مبارزه با فساد اقداماتی صورت گرفت. اما مبارزه صرفا معطوف بود به اختلاسگران جریان رقیب و با نیت استفاده از این ابزار علیه آنان. در حالی که اگر غرض آنطور که ادعا می شد مبارزه با فساد بود اول از همه باید قالیباف محاکمه می شد. اما او را با نشانیدن بر صندلی ریاست مجلس انعام دادند. هم اکنون فساد کنندگان بزرگ ریاست قوه قضایی، مجلس و دیگر نهادها و وزارتخانه های رژیم خامنه‌ای را در اختیار دارند. با این اوصاف دستور مبارزه با فساد ساختاری بیشتر به شوخی گرفته می شود تا واقعیت. اما اگر سخنان تهدید آمیز هفته گذشته خامنه‌ای که در آن خودی های واخورده از نظام را مورد عتاب و خطاب قرار داد در نظر آوریم، دستور مبارزه با فساد این بار باید متوجه گوشمالی و بستن دهان آنان بوده باشد. یعنی اینکه مبارزه گزینشی با فساد عده‌ای از رقبا و منتقدین و واخوردگان از نظام حاکم ممکن است، ولی با کل فساد نه ممکن است و نه خامنه‌ای با آن موافق است. زیرا چنین نظام های با کمک فساد است که می توانند برای مدت بیشتری سر پا بمانند. آری به رغم ادعاهای مبارزه با فساد و صدور دستورهای این چنینی فساد تحت حاکمیت رژیم فاسد و جنایتکار جمهور اسلامی سال به سال بیشتر و بدتر شده است. نمونه‌اش همین رئیسی است که با وعده مبارزه با فساد آمد، اما فساد در دوران یک ساله وی به شدت و در همه زمینه ها افزایش پیدا کرده است.

از مبارزه کارگران و سایر مزد و حقوق بگیران برای ایجاد سندیکاهاى مستقل حمایت کنیم!

موانع تشکیل و فعالیت سندیکاها و تشکلهای کارگری باید از میان برداشته شوند!

برنامه های تضمین اشتغال: بررسی تئوریه‌ها و تجربیات عملی بخش دهم

فاضل کیوب



تضمین اشتغال در عمل

برنامه "سرپرست خانوار" در آرژانتین

پس از یک دهه سیاستهای خشک و سختگیرانه - از استقرار یک هیئت "امور ارزی" و باز کردن بازارها به روی تجارت خارجی، تا کوچک کردن دولت و آزاد کردن سرمایه - اقتصاد آرژانتین چنان سقوط کرد که نرخ بیکاری به بالای ۲۰ درصد رسید. در حالی که تورم مصرفی متجاوز از ۴۰ درصد بود، هزینه تولید ۱۲۵ درصد افزایش یافته بود. تولید ناخالص داخلی به طور چشمگیری کاهش یافته و ارزش پزو بیش از ۲۰۰ درصد سقوط کرده بود. در ژانویه ۲۰۰۲، در این شرایط وخیم بود که طرح "جفس د هوگار" (برنامه سرپرست خانوار، Jefes de Hogar) به فرمان ادواردو دوهارال - رئیس جمهور آرژانتین و در همان دوره کوتاه ریاست جمهوری او - تدبیر و در آوریل ۲۰۰۲ اجرایی شد. این برنامه در اساس از مدل C-FEPS/Coffee ELR الهام گرفته شده است، که در آن دولت برای هر کس که آماده است و می تواند و می خواهد، شغلی ایجاد می کند. اما تفاوت "سرپرست خانوار" با مدل مذکور این است که در برنامه سرپرست خانوار، ایجاد شغل نه برای همه کسان، بلکه به سرپرستان خانواده‌هایی محدود می شود که دارای کودکان زیر ۱۸ سال، افراد معلول یا یک زن باردار اند. مطابق این برنامه سرپرست خانوار به ازای حداقل چهار ساعت کار روزانه، ماهانه ۱۵۰ پزو دریافت می کند. کارگران تحت پوشش آن، در خدمات اجتماعی و فعالیتهای کوچک ساخت و ساز یا نگهداری شرکت می کنند، یا به برنامه‌های آموزشی (از جمله پایان آموزش ابتدایی) هدایت می‌شوند. هشتادوهفت درصد از مشمولان برنامه در پروژه های جمعی، عمدتاً شامل بنگاه های خرد کشاورزی و



خدمات جمعی و اجتماعی مختلف، مانند نظافت و حمایت از محیط زیست در بخش کشاورزی و بهبود سیستمهای فاضلاب و زهکشیهای آب، کار می کنند. پروژههای زیرساختی کلان، عمدتاً تحت اختیار و نظارت وزارت زیرساخت، کارگزاران تحت پوشش برنامه را برای تعمیر جاده ها و پلها استخدام می کنند.

حوالی پایان تابستان سال ۲۰۰۲، تنها پس از چهار ماه پس از اجرای برنامه، نرخ فقر در خانوارهای شرکت کننده نزدیک به ۲۵ درصد و در جمعیت بیش از ۱۸ درصد کاهش یافت. دولت بیش از ۸۰ درصد از پروژه های مختلف برنامه را تأمین مالی می کند. اجرای این تعهد مستلزم آن است که شرکتها و سازمانهای غیردولتی مجری پروژه های مورد نظر، منابع خود را نیز به کار اندازند. در سال ۲۰۰۵، کل مخارج دولت آرژانتین برای برنامه سرپرست خانوار به حدود ۱.۶ میلیون پزو (کمتر از ۱٪ تولید ناخالص داخلی) بالغ شد. این میزان برای کشوری که نرخ فقر ملی در آن بالای ۵۰٪ است، ۹.۶ میلیون فقیر دارد، و از فقر کودکان با نرخی نزدیک به ۷۵ درصد رنج می برد، قطعاً ارزش پرداخت را دارد.

یکی از نگرانیهای بزرگ مدافعان تضمین اشتغال این است که برنامه سرپرست خانوار از طریق وام بانک جهانی به دلار تأمین می شود و بنابراین برای پروژه های اجتماعی که برای بهبود شرایط زندگی فقیرترین افراد طراحی شده اند، غیرممکن است بتوان برای بازپرداخت وام دلار لازم را تأمین کرد. در عین حال تحولات بعدی نشان دادند که وامهای بانک جهانی در واقع برای بازپرداخت بدهیهای خارجی و نه برای تأمین مالی برنامه استفاده شده اند. در دسامبر سال ۲۰۰۵، آرژانتین اعلام کرد که بدهی صندوق بین المللی پول را زودتر از موعد مقرر پرداخت کرده و وام گرفتن از نهادهای بین المللی را متوقف می کند و در عین حال به اجرای برنامه سرپرست خانوار ادامه می دهد.

این برنامه همچنین درآمد خانوارهای فقیر را افزایش داده است، اگرچه آنها را به بالای خط فقر نکشیده است، زیرا این برنامه محدود به مشارکت سرپرست خانوار است و درآمدهای حاصل از آن زیر خط فقر رسمی است. بنابراین، مدافعان تضمین اشتغال تأیید و تأکید می کنند که این برنامه فقط یک گام در جهت درست است و باید؛ ۱- گسترش یابد تا امکان مشارکت هر کسی که آماده، مایل و قادر به کار باشد، فراهم شود؛ ۲) دستمزدهای درخور زندگی بپردازد؛ و ۳) بخش آموزشی و تربیتی خود را برای رفع نیازهای فعلی گسترش دهد.

زنان بسیاری، که پیشتر از بازار کار بیرون مانده بودند، وسیعاً از این برنامه استقبال کرده اند. زنان بیش از ۶۰ درصد شرکت کنندگان در برنامه را تشکیل می دهند. بنا به گزارش وزارت کار آرژانتین، انتقال کارگران از این برنامه به بخش خصوصی صورت گرفته است و این برنامه با تخمین ۲.۵۷ برابر (نسبت تولید به هزینه) تأثیر محسوس مثبتی بر رشد داشته است.

چرنوا (Tcherneva) و ورای (Wray) در ارزیابی از برنامه به این نتیجه رسیدند که "این برنامه موفقیت فوق العاده ای داشته، و برای ۲ میلیون کارگر یا حدود ۵٪ از جمعیت، و حدود ۱۳٪ از نیروی کار، شغل ایجاد کرده است." آنها می افزایند: "جوامع محلی هیچ مشکلی برای یافتن کار مفید برای شرکت کنندگان نداشتند." این برنامه غیرمتمرکز است (با هماهنگی شهرداریها، سازمانهای غیردولتی و سازمانهای غیرانتفاعی انجام می شود)، مشارکت سیاسی را افزایش داده و دموکراسی مردمی را در میان گروههایی که سنتاً به حاشیه رانده شده بوده اند، تقویت کرده است.

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

دولت موظف است به بیکاران حقوق بیکاری پرداخت کند!

افلاس تامین اجتماعی و حقوق های زیر خط فقر نتیجه تبانی دولت و کارفرمایان است!

صادق



روزنامه جهان صنعت در ۹ تیرماه در مطلبی که در این روزنامه منتشر کرد به وضعیت بد و ناپایدار صندوق های بازنشستگی و تامین اجتماعی پرداخته و پس بیان وضعیت مالی شکننده این سازمان و اشاره به برخی از عوامل پدید آورنده وضعیت امروز صندوق گوشه هایی از فسادهای مزمنی را که نقش بسزایی در تضعیف مالی تامین اجتماعی داشته و فسادهایی را که در زمان یک ساله دولت رئیسی در این سازمان رخ داده بر ملا نموده است. سپس نویسنده از برخورد دولت در خصوص افزایش حقوق بازنشستگان وجود فساد در مدیریت تامین اجتماعی را با آوردن نمونه هایی از سوءاستفاده خرد و کلان که اخیرا در این سازمان رخ نموده افشا کرده است.

انتقادات یا بهتر است بگوییم افشاگری های جهان صنعت از مدیریت دولتی حاکم بر تامین اجتماعی و سیاست قانون شکنانه دولت راجع به افزایش حقوق بازنشستگان اگر چه برای همه محرز است و تازگی ندارد درست هستند و کسی تا جایی که انتقادات به نقش و عملکرد دولت باشد نمی تواند با نویسنده همدلی نداشته باشد. اما عدم همدلی با نویسنده ارگان یکی از اتحادیه های کارفرمایی وقتی پیش می آید که خواننده متوجه می شود نویسنده یک طرفه به قاضی رفته و خشنود برگشته چرا که به نقش کارفرمایان در همه مواردی که به دولت نسبت می دهد کوچکترین اشاره ای نکرده و سهمی برای کارفرمایان قائل نشده است.

او تنها گوشه کوچکی از واقعیت حاکم بر سازمان تامین اجتماعی را منعکس می کند. نویسنده که بسیار حرفه ای می نماید به درستی امتناع دولت از افزایش حقوق بازنشستگان و دور زدن قانون کار به همین منظور را مورد انتقاد قرار می دهد. اما به عمد به روی خود نمی آورد که رفتار کارفرمایان و جهان صنعت در برخورد با افزایش دستمزد، تامین اجتماعی و قانون کار نعل به نعل همانند سیاست دولت است.



بر خلاف نوشته روزنامه جهان صنعت تنها بازنشستگان نیستند که حقوق شان جوابگوی هزینه های زندگی شان نیست. وضعیت شاغلان نیز کماکان مشابه بازنشستگان است و دستمزد آنها نیز کفاف بیش از یک هفته هزینه های زندگیشان را نمی دهد و به اندازه بازنشستگان معترض هستند. نویسنده از این جهت در مورد حقوق بازنشستگی منتقد برخورد دولت است که خرجی برای کارفرمایان ندارد. اما در ارتباط با دستمزد و اعتراض کارگران کلمه ای نمی نویسد چرا که به منفعت کارفرمایان نیست.

او از بدهی های نجومی ۴۰۰ هزار میلیاردی دولت به تامین اجتماعی که یکی علل متزلزل شدن وضعیت مالی این سازمان است انتقاد می کند، اما در همان حال اشاره ای به ندادن حق بیمه کارگران توسط کارفرمایان که خود رقم بزرگی است و به نوبه خود در تضعیف بنیه مالی و همچنین حقوق بازنشستگان اثر سئو می گذارد نمی کند. او چیزی را که به بیمه نکردن میلیون ها کارگر توسط کارفرمایان که موجب محرومیت آنان از حقوق بازنشستگی و رها کردن آنان در فقر و تنگدستی می شود نمی نویسد. از دولت به درستی بواسطه دور زدن قانون کار در بحث حقوق بازنشستگی انتقاد می کند، ولی از لگد مال کردن قوانین کار توسط کارفرمایان، از قراردادهای اسارتبار موقت، جلوگیری از تشکیل سندیکاها و تشکلهای کارگری، از به گروگان گرفتن دستمزدهای نا قابل برای فشار آوردن به کارگران، گویا یا اطلاع ندارد و یا اینکه خودش را به بی اطلاعی می زند. انگار همین هفته گذشته نبود که دولت را وادار به کاهش حق مسکن کارگران کردند. گویا فشار آنان نبود که دولت را تا مرز لغو مصوبه مزدی امسال پیش برد و اگر اعتراضات و اعتصابات نبود دولت و مجلس به آن تمکین می کردند و حتما در تغییر نظر مقاله نویس جهان صنعت هم اثر می گذاشت.

روزنامه ارگان کارفرمایان اگر واقعا نگران ورشکستگی تامین اجتماعی و مدافع حقوق بازنشستگان هستند و می خواهند تامین اجتماعی ورشکسته نشود و قادر باشد به وظایف اش به درستی عمل کند، از کارفرمایان بخواهد، کارگرانی را که برایشان کار می کنند، بیمه کنند، سهم حق بیمه هایشان را منظم و کامل بپردازند. اگر نگران غارت و چپاول صندوق توسط ایادی و خود حکومت هستند، بگذارند اتحادیه های کارگری تشکیل شود و مدیریت صندوق خودشان را خود به دست بگیرند. اگر نگران حقوق بازنشستگان هستند، پیشقدم شوند و دستمزدهای کارگران خود را بالا ببرند و نه این که هر از چند گاهی ترفند تازه ای برای منجمد کردن دستمزد کارگران خود باب کنند. اگر از افزایش ۵۷،۴ درصد و ۲۸ درصد به حقوق بازنشستگان دفاع می کنند، چرا این مقدار افزایش را برای شاغلین بر نمی تابند و کارگر بایستی به زور اعتصاب آن را بگیرد؟

گویا خبر ندارد که کارفرمایان خودشان هم به مانند دولت حاضر به اجرای مصوبه مزدی چندر غازی شورای عالی کار نیستند. نویسنده به روی خود نمی آورد که هم اکنون عمده اعتصابات از جمله اعتصاب در شرکتهای پیر سود پتروشیمی بخاطر امتناع صاحبان آنان از اجرای همان مصوبه قانونی است که بخاطر عدم اجرای آن برای بازنشستگان از دولت انتقاد می کند. این آقایان که به این خوبی لالایی بلد هستند، معلوم نیست چرا خوابشان نمی برد؟

از مبارزه کارگران، معلمان و سایر مزد و حقوق بگیران برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

دست مزد و حقوق کارگران و بازنشستگان باید به موقع و بدون تاخیر پرداخت شود!

قراردادهای موقت و پیمانی در کارهای مستمر باید لغو و امنیت شغلی کارگران با ید با انعقاد قراردادهای مستقیم تضمین شود!

گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



حمایت معلمان از بازنشستگان تامین اجتماعی و مطالبات آنان

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان با وجود اینکه بیشتر رهبران شان در زندان هستند همچنان به فعالیتهای خود ادامه می دهند و برای ایجاد همبستگی هر چه بیشتر با کارگران و بازنشستگان و سایر مزد و حقوق بگیران تلاش می کنند. این تشکل مستقل اخیرا با انتشار بیانیه‌ای از اعتراضات و مطالبات بازنشستگان حمایت کرده است.

ادامه اعتراضات بازنشستگان

اعتراضات بازنشستگان تامین اجتماعی در این هفته نیز به رغم انتشار خبر لغو مصوبه ۱۰ درصدی دولت توسط مجلس به دلیل امتناع دولت از پذیرش پس گرفتن مصوبه اش ادامه پیدا کرد. با این وجود بازنشستگان خشمگین از رفتار خصمانه دولت در تجمع های خودشان بر ادامه اعتراضات تا رسیدن به مطالبات خود تاکید کردند.

در تجمع های بازنشستگان شعارهایی نیز علیه دولت داده شده. در اهواز بازنشستگان خواستار استعفای دولت شدند. شعارهای دیگری نیز در شهرهای مختلف از قبیل: "تا حق خود نگیریم، از پا نمینشینیم"، "فقط کف خیابون بدست میاد حقمون"، "نه دولت نه مجلس نیستند بفکر ملت" "رئیس‌ی حق‌ه باز ننگت باد"، "دروغو حاصل وعده‌هاست کو" داده شد.

گفتنی است که اعتراضات بازنشستگان تا کنون با واکنشهای غالباً مثبت گروه های اجتماعی زیادی مواجه شده است. با این همه هنوز افزایش ۲۸ درصد مورد درخواست بازنشستگان به حساب هایشان واریز نشده است.

درخواست از رضا شهابی و حسن سعیدی برای پایا دادن به اعتصاب غذای شان



به نوشته کانال سندیکای واحد تعدادی از همکاران رضا شهابی و حسن سعیدی که نگران به خطر افتادن سلامتی رضا شهابی و حسن سعیدی که در اعتصاب غذا به سر می برند هستند ضمن حمایت از این دو فعال سندیکای خود خواسته‌اند به اعتصاب غذای شان پایان دهند. به نوشته این کانال همکاران این دو فعال سندیکایی نگران به خطر افتادن سلامتی آنان هستند :

یاران و همراهان! اعتصاب غذای شما عزیزان در زندان همچنان ادامه دارد و ما همکاران شما ضمن حمایت قاطع از اعتراض و مطالبه به حق شما به شدت نگران سلامتی و به خطر افتادن جانتان می باشیم. خانواده های شما نیز عمیقاً از پیامدهای اعتصاب غذایی که عزیزان شان در انفرادی و در واکنش به بازجویی های پی در پی و اتهامات کاذب و تهدیدهای بازجویان به آن دست زده اند، نگرانند

بر کسی پوشیده نیست که رضا شهابی و حسن سعیدی با وجود همه هزینه ها، آزارها، زندان تهدید و اخراج از کار و فشارهایی که طی سالیان متمادی به کرات بر آنها وارد شده است، تا لحظه دستگیری پیگیر مطالبات همکاران خود و عموم رانندگان زحمتکش شرکت واحد و دفاع از حق تشکل و سندیکا بوده اند و وکالت گروهی از رانندگان را در پرونده فساد تعاونی مسکن مرکزی شرکت واحد در پروژه سپیدار 2 و 3 نیز برعهده داشتند.

آنان همواره در حمایت از حقوق هم طبقه ای های خود و در مسیر حق و عدالت بی هیچ ادعا تلاش کرده ا

سندیکای کارگران شرکت واحد و اعضای آن لحظه ای برای آزادی همکاران خود و دادخواهی آنها کوتاهی نخواهند کرد و کماکان و با تمام قدرت به کارزارهای داخلی و بین المللی برای آزادی بدون قید و شرط کارگران و فعالین سندیکایی و بطور مشخص #رضا شهابی و #حسن سعیدی ادامه خواهند داد. در عین حال، از همکاران عزیزمان #رضا شهابی و #حسن سعیدی صمیمانه تقاضا داریم که به نگرانی روز افزون ما، خانواده و دوستانشان، به اعتصاب غذای خود پایان دهند

جان شما برای بازجو و زندانبان ارزشی ندارد، اما برای ما کارگران و خانواده هایتان بینهایت پر ارزش و گرانبه است. به امید اینکه به اعتصاب غذایتان هر چه زودتر پایان دهید

یاران شما در سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۱۰ تیر ۱۴۰۱

سندیکای واحد در اعلامیه دیگری خواستار آزادی آنیسا اسدالهی و همسرش کیوان مهتدی که از ۱۹ اردیبهشت تا کنون در زندان هستند و همچنین معلمان زندانی هستند. گفتنی است نیروهای امنیتی با افزایش فشار به کارگران و معلمان زندانی و آنیسا و همسرش که از حامیان معلمان و کارگران هستند، تلاش می کنند آنان را وادار به اعتراف اجباری کنند.

آخرین گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت از اعتصاب داربست بندها

همانطور که در اطلاعیه های قبلی اعلام شد همکاران داربست بند در یازده مجتمع پتروشیمی و در مجموع در بیش از بیست شرکت پیمانکاری در اعتصاب هستند

آخرین برآوردها حاکی از آن است که مجموعاً قریب به سه هزار نفر داربست بند در اعتصاب به سر میبرند

از چند روز قبل به موازات پیوستن همکاران بیشتری به اعتصاب کارفرماها و پیمانکاران هم اقدامات اعتصاب شکنانه خود را آغاز کردند



در پتروشیمی های پادجم و آریا متانول و همینطور شرکت اکسیر صنعت در گروه های تلگرامی و واتسآپی آگهی استخدام داربست بند داده اند

برخی پیمانکاری ها هم مثل مخازن سبز عسلویه، عمران صنعت، اکسیر فاز چهارده تعدادی از همکاران قدیمی تر ما هنوز مشغول بکار بوده و به اعتصاب ملحق نشده اند که همین جا از همه همکاران خود می خواهیم برای تقویت اتحاد و همبستگی جمعی مان در رسیدن به خواسته هایی که همه ما بر سر آن توافق کرده ایم دست از کار کشیده و مراقب باشند فریب پیمانکاران را نخورند

از همکاران فیترو و کمکی هم می خواهیم زیر فشار پیمانکار قبول نکنند که خودشان دست به کار شده و داربست و ساپورتربندند. هیچ پیمانکاری نمی تواند و نباید شما را به کار دیگری که وظیفه شما نیست مجبور کند

همانطور که کارفرما و پیمانکار و دولت برای استثمار بی رحمانه ما با هم متحد هستند ما هم به همان اندازه باید با اتحاد مان از پس فریبکاری های آنها برآمده و حق مان را طلب کنیم. منفعت همه ما از داربست بند تا فیترو و کمکی و رنگ کار و جوشکار و برق کار و نیروی اورهال در پیروزی این اعتصاب است. اگر اعتصاب ما موفق شود و بتوانیم پیمانکاران را وادار کنیم تا خواست بیست و پنج میلیون تومان ما را بپذیرند بنابراین در حالت طبیعی دستمزد سایر همکاران از جمله فیترو و کمکی هم بالا تر خواهد رفت

همچنین بنا به گزارش همین منبع: اعتصاب دو روزه ای در پالایشگاه تهران در اعتراض به افزایش ساعت کاری و پایین بودن دستمزدها و اعتصاب دیگری نیز در پالایشگاه تندگویان توسط کارگران تعمیرات اساسی در اعتراض به افزایش ساعت کار و نارضایتی از سطح دستمزدها در ۶ تیر ماه انجام شده است. اعتصاب اول دو روز طول کشیده.

افزایش ۲۰۰ درصدی قیمت ها نشان داد ارز ترجیحی اثرگذار بود.

دولت رئیسی رکورددار بالاترین نرخ تورم از زمان اشغال ایران توسط قوای خارجی تا به امروز/ راغفر: در دولت سیزدهم اقتصاد رها شد

حسین راغفر درباره افزایش نرخ تورم و عبور آن از ۵۰ درصد در در یکسالگی دولت سیزدهم اظهار داشت: نرخ تورمی که به صورت رسمی ۵۲/۵ درصد اعلام شده، بالاترین نرخ تورم از زمان اشغال ایران توسط قوای خارجی تا به امروز بوده است. اما سوال این است که چرا چنین شتابی در رشد نرخ تورم ایجاد شده و نسبت به این روند افزایش نرخ تورم آقایی که به قول خودشان، طرفدار اقتصاد جریان اصلی هستند باید امروز پاسخگو باشند. همین افراد در محاسبات خود مدعی بودند اگر ارز ترجیحی را حذف کنیم حداکثر افزایش ها بین ۶ تا ۷ درصد خواهد بود این در حالی است که امروز شاهد افزایش ۲۰۰ درصد قیمت کالاهای هستیم که قیمت گذاری آنها با ارز ترجیحی ارتباط داشت

این کارشناس اقتصادی با بیان اینکه در دولت سیزدهم اقتصاد رها شده، گفت: این افزایش نرخ تورم به طور طبیعی ناشی از حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی و بی سرو سامانی در اقتصاد کشور است و میبینیم که این اقتصاد چگونه متاثر از نفوذ جریان های قدرت و ثروت قرار گرفته است

متحدانه علیه سیاست فقر و فلاکت آور شوک درمانی و آزاد سازی قیمتها مبارزه کنیم!

نه به حذف سوبسید ها و افزایش قیمت نان و کالاهای اساسی!





پیگرد و آزار و اذیت فعالین سندیکایی روز به روز بیشتر می شود و فشار بر فعالین برای دست برداشتن از پیگیری سازمانیافته مطالبات و حقوق شان تشدید شده است. با این همه مبارزه در پهنایی به وسعت ایران، در خیابان و کارخانه، مدرسه و زندان با قوت ادامه دارد.

همه با هم برای آزادی معلمان، کارگران و سایر زندانیان سیاسی و مدنی مبارزه کنیم!





پیروز باد مبارزه بازنشستگان برای افزایش حقوق و بیمه کارآمد!

*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:

sabosob@gmail.com

*"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را

می توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>